کودکان مراقب

معرفی مجموعه بچه زبل‌ها به مناسبت روز جهانی کودک

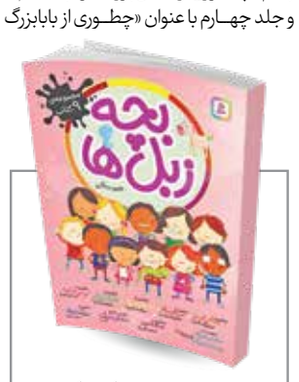


ادبیات کودک

بهار خسروی
گروه کتاب

کودکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین دوره‌های زندگی هر انسانی محسوب می‌شود؛ تا جایی که در سطح جهانی ۲۰ نوامبر به عنوان «روز جهانی کودک» شناخته می‌شود. اهمیت این دوره تنها به رشد جسمی و شکل‌گیری توانایی‌های فردی محدود نیست، بلکه تجربه‌ها و آموخته‌های کودکی می‌توانند بر نگرش و رفتار انسان در سال‌های بعد نیز اثر بگذارند. در این میان، ادبیات کودک فرصتی فراهم می‌کند تا کودکان از راه داستان، موقعیت‌های تازه را تجربه کنند و درباره خود و جهان پیرامونشان بیاموزند. ادبیات داستانی کودکان، سال‌هاست که از الگوهای تعلیمی خشک و پندهای مستقیم فاصله گرفته است. روان‌شناسی رشد نشان می‌دهد کودک خردسال در برابر دستورهای آمرانه مقاومت روانی نشان می‌دهد، اما هنگامی که خودش را در جایگاه یک تصمیم‌گیرنده یا راوی یک قصه ببیند، با اشتیاق یاد می‌گیرد و مسئولیت رفتارهایش را کم‌کم به دوش می‌کشد. مجموعه کتاب‌های مصور «بچه‌زبل‌ها» نوشته جین ریگان توسط واحد کتاب‌های بنفشه انتشارات قدیانی در قالب یک مجموعه کامل ۹ جلدی ترجمه و منتشر شده است. این کتاب‌ها در فهرست پرفروش‌های نیویورک تایمز قرار دارد و با واژگون‌سازی هوشمندانه نقش‌های معمول میان دنیای کودکان و بزرگسالان، تجربه‌ای سرشار از همدلی و رشد فردی خلق می‌کند. محور اصلی ساختار داستان‌ها در تمامی این آثار، استفاده از فرم بازیگوشانه دفترچه راهنما یا دستورالعمل‌های گام‌به‌گام از زاویه دید اول شخص کودک است. نویسنده با ظرافت، ۹ موقعیت کلیدی از زیست روزمره و عاطفی خردسالان را در این جلدها دستمایه روایت قرار داده است. در جلد اول با نام «چطوری مامان را بزرگ کنم؟»، کودک به شکلی طنزآمیز وظایف مراقبت از مادر و همراهی با او در خانه را برعهده می‌گیرد. در جلد دوم با عنوان «چطوری بابا را غافلگیر کنم؟»، ماجرای برنامه‌ریزی‌های شاد و راه‌های خوشحال کردن پدر در کانون توجه است. جلد سوم با نام «چطوری از مامان‌بزرگ مراقبت کنم؟» و جلد چهارم با عنوان «چطوری از بابابزرگ مراقبت کنم؟»، کودک را به هم‌بازی و مراقب دلسوز پدربزرگ و مادربزرگ تبدیل می‌کنند. جلد پنجم با عنوان «چطوری برای مامان‌بزرگ و بابابزرگ کتاب بخوانم؟»، فضایی گرم از کتابخوانی اشتراکی را میان دو نسل متفاوت به تصویر می‌کشد. در جلد ششم با نام «چطوری به نی‌نی جدید خوشامد بگویم؟»، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های روانی کودکان یعنی تولد نوزاد تازه و مدیریت حسادت ناشی از آن بررسی می‌شود. جلد هفتم با عنوان «چطوری معلم را آماده کنیم؟»، ماجرای ورود به مهدکودک و مدرسه را با زبانی امن روایت می‌کند. در نهایت، جلد هشتم با نام «چطوری عاشق مامان‌بزرگ باشم؟» به زبان مهرورزی و ابراز عشق در خانواده می‌پردازد و جلد نهم با عنوان «چطوری از بزرگ‌ترها مراقبت کنم؟»، راهکارهای شوخ‌طبعانه کودک برای درک خستگی‌ها و مشغله‌های بزرگسالان را به تصویر می‌کشد. شاید درخشان‌ترین ویژگی مفهومی این مجموعه، تمرکز ویژه آن بر ترمیم شکاف نسلی باشد. در زندگی شتاب‌زده و آپارتمان‌نشین امروز، روابط کودکان با نسل پیشین گاه کمرنگ و محدود می‌شود. جلدهایی که به پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها اختصاص یافته‌اند، سالمندان را نه به‌عنوان انسان‌هایی ناتوان و حاشیه‌ای، بلکه رفقایی صمیمی، شریک در بازی و شایسته محبت بی‌قید و شرط به کودک معرفی می‌کنند. اثر بدون ذره‌ای شعارزدگی و نصیحت، نشان می‌دهد که بزرگ‌ترها چقدر از شنیدن یک داستان با لحن کودکانه، قدم زدن در پارک یا حتی یک بازی ساده به وجد می‌آیند.

> مجموعه «بچه‌زبل‌ها» را می‌توان پلی امن و مفرح میان جهان بی‌تکلف خردسالی و دنیای پرتنش بزرگسالی دانست. این اثر، والدین و مربیان را از ابزارهای تکراری تنبیه و نهیب زدن بی‌نیاز می‌کند



مجموعه بچه‌زبل‌ها
- نویسنده: جین ریگان
- مترجم: واحد ترجمه کتاب‌های بنفشه
- انتشارات: قدیانی

درمانگری غیرمستقیم

از منظر روان‌شناختی، شگرد روایی وارونه‌سازی نقش‌ها در این کتاب‌ها، نوعی درمانگری غیرمستقیم برای حل تعارضات رفتاری است. برای نمونه، در کتاب «چطوری به نی‌نی جدید خوشامد بگویم؟» به کودک دستور داده نمی‌شود که نسبت به نوزاد حسادت نداشته باشد، بلکه با دادن نقش یک میزبان کاربلد و حمایتگر به او، حسادت احتمالی به غرور و حس برادر یا خواهر بزرگ‌تر بودن بدل می‌شود. همچنین در کتاب «چطوری معلم را آماده کنیم؟»، به جای آنکه کودک از روز اول مدرسه و معلم غریبه بترسد، چنین فرض می‌کند که ممکن است آموزگار دچار استرس و خجالت شده باشد؛ بنابراین وظیفه خود می‌داند که وارد کلاس شود و فضا را برای معلم آرام و امن کند. این دگرگونی زاویه دید، تمام اضطراب‌های جدایی و هراس از موقعیت ناشناخته را خنثی می‌سازد. بخش مهمی از موفقیت بصری و اثرگذاری کتاب‌ها، بر دوش طراحی‌های آن است. تصویرگری‌های پرنشاط، رنگ‌آمیزی‌های زنده و بویژه تأکید بر حالات چهره و میمیک شخصیت‌ها سبب شده تضادهای کمیک میان برنامه‌های کودکانه و چهره مهربان اما مستأصل بزرگ‌ترها به بهترین شکل متجلی شود؛ ویژگی قابل توجهی که باعث می‌شود حتی کودکان پیش از سن سوادآموزی نیز با ورق زدن تصاویر، سیر داستان را دنبال کنند و از جزئیات شوخ‌طبعانه حاشیه صفحات لذت ببرند. در نهایت مجموعه ۹ جلدی «بچه‌زبل‌ها» را می‌توان پلی امن و مفرح میان جهان بی‌تکلف خردسالی و دنیای پرتنش بزرگسالی دانست. این اثر، والدین و مربیان را از ابزارهای تکراری تنبیه و نهیب زدن بی‌نیاز می‌کند و نشان می‌دهد با اعتماد به هوش عاطفی کودکان و بهره‌گیری از جادوی بازی و طنز، می‌توان صمیمیت خانوادگی، مسئولیت‌پذیری و عشق را در عمق جان فرزندان نهادینه کرد.

بازی و قصه

بازی، در کنار قصه و کتاب، بخشی مهم از تجربه کودکی است؛ تجربه‌ای که به خیالپردازی فرصت می‌دهد و کودک را با دیگران همراه می‌کند. کودک در بازی فقط سرگرم نمی‌شود؛ نقش‌های مختلف را آزمایش می‌کند، قواعد را می‌شناسد و در کنار همسالانش راه‌هایی برای مشارکت و همکاری پیدا می‌کند. بازی‌های جمعی فضایی می‌سازند که در آن حرکت و گفت‌وگو با هم ترکیب شده و خاطره‌هایی مشترک شکل می‌گیرند. با این حال، بسیاری از بازی‌های جمعی و سنتی برای کودکان امروز کمتر شناخته شده‌اند؛ شاید چون فرصت اجرای آنها در زندگی روزمره کمتر فراهم می‌شود و سرگرمی‌های تازه، جای بخشی از این تجربه‌ها را گرفته‌اند. مجموعه ۱۰ جلدی «یک قصه، یک بازی» نوشته پروین پناهی که در انتشارات قدیانی منتشر شده، از جمله آثاری است که می‌کوشد میان قصه‌خوانی و آشنایی با بازی‌های گروهی پیوند برقرار کند. عنوان‌های مجموعه عبارت‌اند از: «آفتاب مهتاب چه رنگه»، «بالا بلندی دختر هندی»، «تاب‌تاب خمیر شیشه پرپنیر»، «آسیاب بچرخ می‌چرخم»، «هفت‌سنگ»، «نان بیار کباب ببر»، «گرگم و گله می‌زنم»، «عمو زنجیرباف»، «یه مرغ دارم» و «الک و دولک». بسیاری از این عنوان‌ها بزرگسالان را به یاد بازی‌ها و ترانه‌های دوران کودکی‌شان می‌اندازند. برای کودکان امروز نیز این کتاب‌ها فرصتی‌اند تا با بازی‌هایی آشنا شوند که شاید کمتر در زندگی روزمره تجربه کرده باشند. بازی آفتاب مهتاب چه رنگه، مجموعه‌ای از متل‌های کودکانه است که بر بازی گروهی تکیه دارد. بازی، کودک را از جایگاه شنونده یا خواننده صرف بیرون می‌آورد و او را به مشارکت در بخشی از روایت دعوت می‌کند. بازی آفتاب مهتاب، بازی‌ای محلی و گروهی است؛ فعالیتی که حرکت، ارتباط با دیگران و شادی جمعی را در کنار هم قرار می‌دهد. بنابراین، قصه در اینجا تنها وسیله‌ای برای سرگرمی نیست؛ می‌تواند مقدماتی برای آشنایی با یک بازی و تجربه آن فراهم کند. در بازی گرگم و گله می‌زنم، یک کودک نقش گرگ را دارد، یک کودک چوپان است و دیگران در صف گوسفندان پشت سر چوپان قرار می‌گیرند. گرگ می‌کوشد یکی از گوسفندان را جدا کند و چوپان و گله با حرکت هماهنگ در برابر او مقاومت می‌کنند. گفت‌وگوی آهنگین میان نقش‌ها، بخشی از جذابیت بازی است و به کودکان کمک می‌کند جریان بازی را دنبال کنند. در اینجا روایت، شخصیت‌ها و حرکت از هم جدا نیستند؛ کودک هم در شنیدن و گفتن مشارکت می‌کند و هم با دیگران بازی را پیش می‌برد. هفت‌سنگ نیز بر همکاری گروهی و رعایت قوانین و قواعد تأکید دارد. کودکان در این بازی باید به نوبت عمل کنند، موقعیت را بسنجند و در هماهنگی با هم گروهی‌هایشان تصمیم بگیرند. چنین بازی‌هایی می‌تواند فرصتی برای تمرین توجه به قواعد و همکاری باشد؛ البته این مهارت‌ها خودبه‌خود و صرفاً با خواندن کتاب شکل نمی‌گیرند و به مشارکت واقعی کودکان و همراهی مناسب بزرگسالان وابسته‌اند.

پیوند قصه و بازی، مجموعه را از کتابی صرفاً خواندنی فراتر می‌برد. در هر جلد، نام یک بازی آشنا یا کمتر شناخته شده، کودک و همراهانش را به تجربه‌ای جمعی دعوت می‌کند؛ تجربه‌ای که با شنیدن و گفتن، حرکت و همراهی شکل می‌گیرد. از این منظر، بازی ادامه قصه است: کودک می‌تواند پس از آشنایی با آن، قواعد را کشف کند، نقش‌ها را بشناسد و در کنار همسالانش بازی را امتحان کند. کودکان در جریان بازی با نوبت‌گرفتن، پیروی از قواعد و تصمیم‌گیری در کنار دیگران روبه‌رو می‌شوند. البته نتیجه این تجربه از پیش تضمین شده نیست؛ شیوه اجرای بازی، فضای در دسترس و آمادگی کودکان در آن نقش دارد. همراهی بزرگسال نیز زمانی سودمند است که به توضیح و فراهم کردن شرایط محدود بماند و فرصت کشف و انتخاب را از کودک نگیرد. ویژگی اصلی مجموعه «یک قصه، یک بازی» در کنار هم قراردادن قصه و فعالیت گروهی است. این پیوند، کتابخوانی را به فرصتی برای گفت‌وگو، حرکت و مشارکت تبدیل می‌کند و می‌تواند کودکان را با بخشی از بازی‌های سنتی آشنا کند.



مجموعه‌داستان یک قصه، یک بازی
- نویسنده: پروین پناهی
- انتشارات: قدیانی

زشت و زیبا

سنجش زیبایی یا زشتی در چه زشت خوشگلی

زیبایی و زشتی همیشه معنایی روشن و یکسان ندارند؛ آنچه در چشم گروهی زیباست، ممکن است برای گروهی دیگر عجیب یا ناپسند باشد. نگاه ما به چهره‌ها، بیش از آن‌که بر حقیقتی ثابت تکیه داشته باشد، از عادت‌ها و معیارهایی شکل می‌گیرد که در جامعه آموخته‌ایم. کتاب مصور «چه زشت خوشگلی» نوشته دیوید سداریس و ترجمه فرناز رضاپور که در انتشارات اتفاق منتشر شده، قصه‌ای طنزآمیز درباره زیبایی، تفاوت و نگاه دیگران است. قهرمان داستان، آنا فن اوگر، غول‌دختری است که در دنیایی زندگی می‌کند که معیارهای زیبایی‌اش با معیارهای انسان‌ها تفاوت دارد. همین جابه‌جایی ساده، نقطه آغاز ماجرایی است که خواننده را به پرسشی آشنا اما مهم می‌رساند: چه کسی تعیین می‌کند کدام چهره زیباست و کدام زشت؟ در دنیای آنا، چهره‌هایی که ممکن است برای انسان‌ها ترسناک یا نازیبا به نظر برسند، زیبا و دوست‌داشتنی‌اند. روزی ظاهر آنا تغییر می‌کند و او صورتی شبیه دخترکی انسانی، گل‌گون و بامزه پیدا می‌کند. آنا از چهره تازه‌اش راضی نیست و می‌کوشد ظاهر پیشین خود را بازگرداند؛ ظاهری که در جامعه خودش زیبا به حساب می‌آید. این وارونگی، اوج طنز داستان است. سداریس معیارهای آشنای خواننده را جابه‌جا می‌کند تا نشان دهد زیبایی مفهومی مطلق و یکسان نیست. آنچه در یک جمع مطلوب و دلنشین به شمار می‌رود، ممکن است در جمعی دیگر عجیب یا حتی ناپسند باشد. قصه به جای آن‌که درباره زیبایی حکم قطعی صادر کند، خواننده را وادار می‌کند از خودش بپرسد: وقتی کسی را زیبا یا زشت می‌نامیم، این داوری از کجا می‌آید؟ از ویژگی‌های خود چهره یا از عادت‌هایی که در ذهن‌مان شکل گرفتند؟

معیار زیبایی چیست؟

ماجرای آنا فقط درباره ظاهر نیست؛ درباره تجربه ناخواسته متفاوت بودن نیز هست. او چهره‌ای پیدا می‌کند که انتخابش نکرده و با واکنش‌هایی روبه‌رو می‌شود که بر آن کنترلی ندارد. همین موقعیت برای کودکان می‌تواند نکته مهمی را به دنبال داشته باشد: گاهی دیگران ما را براساس ویژگی‌هایی می‌سنجند که خودمان انتخاب نکرده‌ایم. داستان با گفت‌وگوها و موقعیت‌هایی خیال‌انگیز، این تجربه را به قصه‌ای سرگرم‌کننده تبدیل می‌کند و درعین حال فرصت گفت‌وگو درباره قضاوت، تفاوت و پذیرش را برای کودک و والدین فراهم می‌کند. در بخشی از داستان، مادر آنا به او هشدار می‌دهد اگر شکلک دربیاورد، ممکن است صورتش همان‌طور باقی بماند. این هشدار در ابتدا یادآور جمله‌های آشنای بزرگ‌ترها به کودکان است، اما در ادامه معنایی فراتر پیدا می‌کند: ظاهر همیشه چیزی نیست که بتوان آن را به آسانی کنترل کرد. آنا ناگهان با چهره‌ای روبه‌رو می‌شود که آن را نمی‌پسندد؛ چهره‌ای که نگاه اطرافیان را هم به دنبال دارد. داستان بدون آن که مستقیم نصیحت کند، دشواری متفاوت بودن و کنارآمدن با قضاوت دیگران را به تصویر می‌کشد. یکی از ویژگی‌های کتاب، پیوند متن و تصویر است. تصویرگری یان فالکونر صرفاً همراه روایت نیست، بلکه در ساختن فضای طنز و انتقال تفاوت میان جهان انسان‌ها و غول‌ها نقش دارد. حالت چهره‌ها و موقعیت‌های تصویری، بخشی از طنز داستان را پیش می‌برند و کمک می‌کنند خواننده پیش از آن که معنای ماجرا را به زبان بیاورد، آن را در تصویرها احساس کند. این ویژگی برای کتابی تصویری اهمیت ویژه‌ای دارد؛ تصویرها نه تزئین متن بلکه بخشی از روایت هستند. دیوید سداریس بیشتر با طنز و جستارهایش شناخته می‌شود و در این کتاب هم همان راه را می‌رود: با شوخی، حرفی جدی می‌زند. طنز داستان از تفاوت نگاه انسان‌ها و غول‌ها می‌آید؛ اما پشت این خنده، پرسشی اجتماعی ایستاده است: معیارهای زیبایی از کجا می‌آیند و چه کسانی را در خود جا می‌دهند یا بیرون می‌گذارند؟ کتاب به این پرسش پاسخ نمی‌دهد، اما یک چیز را نشان می‌دهد: داوری درباره ظاهر، بیشتر از آن‌که حقیقتی همگانی باشد، بازتاب نگاه و سلیقه یک جامعه است.



چه زشت خوشگلی
- نویسنده: دیوید سداریس
- مترجم: فرناز رضاپور
- انتشارات: اتفاق
- تعداد صفحات: ۴۰ صفحه
- قیمت: ۳۸۵۰۰۰ تومان

«چه زشت خوشگلی» برای کودکانی که قصه‌های خیال‌انگیز و تصویرهای طنزآمیز را دوست دارند، داستانی سرگرم‌کننده است و برای بزرگسالان فرصتی فراهم می‌کند تا درباره معیارهای زیبایی و تأثیر قضاوت دیگران تأمل کنند. جذابیت کتاب در همین دو وجهی بودن است: قصه‌ای ساده و بازیگوشانه که در پس ماجرای تغییر چهره، از تفاوت و پذیرش می‌گوید. شاید پرسش اصلی داستان این نباشد که آنا زیباست یا زشت؛ بلکه این باشد که چرا زیبایی را با معیارهایی محدود و از پیش آموخته شده می‌سنجیم.

سرخوش و بیخیال

دیوید ریموند سداریس، زاده ۲۶ دسامبر ۱۹۵۶، طنزپرداز، کمدین و نویسنده آمریکایی است. او در جانسون سیتی ایالت نیویورک به دنیا آمد و در شهر رالی در کارولینای شمالی بزرگ شد. پس از دوران مدرسه، مدتی در دانشگاه کارولینای غربی تحصیل کرد و سپس به دانشگاه کنت رفت. در سال ۱۹۸۳ به شیکاگو رفت و در سال ۱۹۸۷ از انستیتوی هنر شیکاگو فارغ‌التحصیل شد؛ از همان‌جا بود که نوشتن مطالب طنزآمیز برای رادیو و دیگر رسانه‌ها را آغاز کرد. او نویسنده سیزده کتاب پرفروش است که از میان آنها می‌توان به «سنجاب به دنبال موش خرما» (با تصویرگری یان فالکونر) و «شاد و خوشبخت» اشاره کرد. از دیگر کتاب‌های او می‌توان به «بیا با جغدها درباره دیابت تحقیق کنیم»، «کالیپسو»، «بالاخره یه روزی قشنگ حرف می‌زنم»، «سرخوش و بیخیال»، «تعطیلات بی‌دغدغه» و... اشاره کرد. نوشته‌های او در مجله «نیویورکر» و در برنامه‌های رادیو «بی‌بی‌سی چهار» منتشر می‌شود. این روزها بخشی از سال را در انگلستان و بخشی را در نیویورک می‌گذراند. کتاب «چه زشت خوشگلی» با الهام از خواهرش، ایمی سداریس، نوشته شده؛ خواهری که به گفته دیوید می‌تواند ترسناک‌ترین چهره‌های دنیا را بسازد. ایمی سداریس در این باره می‌گوید: «تمام عمرم در حال شکلک درآوردن بودم. اول برای تقلید از دیگران و بعد برای اینکه ببینم تا کجا می‌توانم پیش بروم. شاید بعضی استخوان‌های صورتم کم باشد؛ چون راحت‌تر از بقیه می‌توانم چهره‌ام را حرکت بدهم؛ انگار عروسک جورابی‌ام! حالا که بزرگ‌تر شده‌ام، این کار برایم ساده‌تر و بامزه‌تر شده؛ شاید هم عضلاتی در صورتم رشد کرده‌اند که اجازه می‌دهند به شکل‌های عجیبی خودم را تا کنم. هرچه باشد، از آن خوشحالم.»



ورای نقاب سرسختی

بازتعریف شجاعت برای نوجوانان در داستان‌های الهام‌بخش برای پسران شگفت‌انگیز



در سال‌های اخیر بازار نشر کتاب‌های کودک و نوجوان، شاهد تغییری معنادار و بنیادین در انتخاب مضامین تربیتی و روان‌شناختی بوده است؛ گذاری آشکار از ابرقهرمان‌های خیالی، تسخیرناپذیر و بی‌عیب‌ونقص به سمت شخصیت‌هایی که انسان واقعی، تردیدها، لغزش‌ها و شکنندگی‌های روانی کودکان را به رسمیت می‌شناسند. در عصری که گسترش فناوری و فضای مجازی، الگوهایی نمایشی و کمال‌گرایانه از موفقیت پیش چشم نسل جدید قرار داده، نیاز به ادبیاتی که به کودک آرامش ببخشد و او را در مواجهه با ناملایمات روزمره توانمند کند، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. کتاب «داستان‌های الهام‌بخش برای پسران شگفت‌انگیز» نوشته امیلی گرین و ترجمه نیکا کیاپور و نیکی کیاپور که در انتشارات دکسا منتشر شده، در همین مسیر و با هدف بازتعریف مفاهیمی چون اعتماد به نفس، تاب‌آوری و پذیرش خود واقعی نوشته شده و دغدغه‌های روحی و تربیتی پسران را مورد بررسی قرار داده است. الگوی فرهنگی و تربیتی در جوامع در حال گذار، همواره بار سنگینی از انتظارات کلیشه‌ای را بر دوش پسران قرار داده است. از کودکی چنین القا می‌شود که یک پسر همواره باید نشانه‌هایی از استقامت، تسلط بر اوضاع و قاطعیت را داشته باشد. عباراتی چون «مرد که گریه نمی‌کند» یا «پسر باید همیشه سرسخت و نترس باشد»، در حقیقت حصارهایی نامریی به دور جهان عاطفی کودکان می‌کشند و به آنها یاد می‌دهند احساسات طبیعی و انسانی خود مثل هراس، تردید، اندوه یا شکست، نقاط ضعفی هستند که باید پنهان نگه داشته شوند. این فشار روانی در دوران نوجوانی به انزوای عاطفی، اضطراب و سرکوب هیجان‌ها می‌رسد و در نخستین ناکامی‌ها، عزت‌نفس فرد را کاهش می‌دهد. کتاب «داستان‌های الهام‌بخش برای پسران شگفت‌انگیز» سعی دارد تا این چرخه معیوب را بشکند و به مخاطب کم سن‌وسال خود نشان دهد اضطراب و لغزش، بخش جدانشدنی زندگی هستند و به معنای بی‌کفایتی فرد تلقی نمی‌شوند.

کتاب از همان ابتدا با مخاطب نوجوان خود با لحنی صمیمی و بی‌قضاوت ارتباط برقرار می‌کند. پرسش‌هایی درباره تجربه ترس، تردید و احساس کافی نبودن، زمینه‌ای برای هم‌ذات‌پنداری خواننده با شخصیت‌ها فراهم می‌آورد و به او نشان می‌دهد روبه‌رو شدن با این احساس‌ها تجربه‌ای شرم‌آور نیست. در ادامه نیز داستان‌ها به جای ارائه توصیه‌های مستقیم، موقعیت‌هایی آشنا را پیش می‌کشند تا مخاطب همراه شخصیت‌ها راه‌های مواجهه با دشواری‌ها را کشف کند. پشت جلد کتاب نیز با لحنی بی‌پرده با کودک و نوجوان صحبت می‌کند و از او می‌پرسد آیا تاکنون از چیزی ترسیده یا گمان برده که به اندازه کافی قوی و باهوش نیست؟ این پرسش‌های مقدماتی بلافاصله حباب تنهایی کودک را می‌شکنند و به او اطمینان می‌دهند کتاب حاضر برای ارزیابی رفتارهای او و قضاوت کردن نیست، بلکه بستر امنی است که داستان زندگی پسرانی مثل خودش را روایت می‌کند؛ پسرانی که اگرچه در بدو امر جرأت و اعتمادی نداشتند، اما به‌مرور نیروی درونی خود را کشف کرده و بر ترس‌های‌شان پیروز شدند.

در مقدمه، نویسنده با لحنی صمیمی و دلگرم کننده با خواننده کم سن خود صحبت می‌کند. او یادآوری می‌کند که هر کودک، فارغ از دستاوردها و نظر دیگران، ارزشمند و یگانه است. این نگاه، ارزشمندی فرد را به نمره، موفقیت یا تأیید اطرافیان گره نمی‌زند و به کودک می‌گوید لازم نیست برای پذیرفته شدن همیشه موفق باشد. نویسنده همچنین تأکید می‌کند که ترس و سردرگمی فقط به کودکان محدود نیست و بزرگسالان هم در موقعیت‌های دشوار چنین احساساتی را تجربه می‌کنند. این یادآوری می‌تواند از احساس تنهایی کودک کم کند و به او کمک کند بدون شرم یا سرزنش درباره ترس‌هایش حرف بزند. نویسنده به جای اینکه قهرمانانش را به سرزمین‌های دوردست افسانه‌ای ببرد، آنها را در دل همان چالش‌هایی قرار می‌دهد که هر پسربچه‌ای در محله، مدرسه و خانواده تجربه می‌کند. یکی از روایت‌های جالب کتاب، تجربه پسر نوجوانی است که برای اولین بار به تنهایی راهی نانوایی می‌شود؛ رویدادی روزمره و به ظاهر ساده، اما برای ذهنی که هنوز در حال آزمودن حدود استقلال خود است، آزمونی بزرگ و سرشار از دلهره به شمار می‌رود. نویسنده نشان می‌دهد ایستادن در میان ازدحام جمعیت، دادوستد مالی با بزرگسالان و پذیرش مسئولیت یک خرید خانوادگی چگونه پله پله اعتمادبه‌نفس را درون نوجوان نهادینه می‌کند. در روایتی دیگر، ماجرای رویارویی با یک نمره بد در مدرسه بازخوانی می‌شود؛ مسأله‌ای که امروزه به بحران اصلی ارتباطی میان والدین و فرزندان تبدیل شده است. داستان آموزش می‌دهد که کارنامه مدرسه معیاری برای سنجش هوش کل یا ارزش کودک یا نوجوان نیست و شکست‌های تحصیلی صرفاً بازخوردی برای تغییر مسیر تلاش هستند، نه دلیلی برای سرافکندگی. از سوی دیگر، مسائلی چون اضطراب فیزیکی در مواجهه با آب و شنا کردن، پذیرش باخت و ضرورت کار گروهی در مسابقه و نحوه عبور از قضاوت‌های همسالان با تکیه براین اصل که بسیاری از اشتباهات اصلاً فاجعه‌بار و مهم نیستند، ساختار منسجم این کتاب را تکمیل می‌کنند. حتی گنجاندن بخشی تحت عنوان شعر به مخاطب نشان می‌دهد که لطافت طبع و بیان احساسات به واسطه واژه‌ها، نشانه‌ای از شجاعت و آزادگی روح است.

یکی دیگر از نوآوری‌های شاخص ساختاری کتاب، پیوند هدفمند ادبیات با فرآیند هنردرمانی و تمرکز ذهن‌آگاهی است. در انتهای هر فصل، صفحه‌ای برای رنگ‌آمیزی نگاره‌های هندسی آورده شده و در مقدمه کتاب صراحتاً به کودک توصیه شده که پس از پایان هر ماجرا، لحظاتی درنگ کند و آن طرح‌ها را با رنگ‌ها جان ببخشد. این تکنیک، فرآیند مطالعه را از یک عمل منفعل و خواندن سریع سطور، به یک فعالیت حسی و حرکتی عمیق تبدیل می‌کند. کودک در حین تمرکز بر خطوط هندسی و پر کردن آنها با رنگ‌های دلخواه، تنفس آرام‌تری را تجربه کرده و پیام پنهان در پس قصه را در لایه‌های عمیق ذهن خود پردازش و ثبت می‌کند. در نهایت، «داستان‌های الهام‌بخش برای پسران شگفت‌انگیز» فراتر از یک سرگرمی ساده، اثری کاربردی برای بهبود سلامت روان خانواده است. این کتاب به والدین یادآوری می‌کند که برای پرورش پسرانی قوی، نیازی به الگوهای سرسخت و قهرمان‌سازی‌های دست نیافتنی نیست؛ کافی است فضایی امن بسازند تا فرزندان‌شان با ترس‌های طبیعی خود کنار بیایند، حق اشتباه کردن داشته باشند و بیاموزند که شجاعت واقعی یعنی حرکت به جلو، حتی در اوج ترس و تردید.



داستان‌های الهام‌بخش برای پسران شگفت‌انگیز
- نویسنده: امیلی گرین
- مترجم: نیکا کیاپور، نیکی کیاپور
- انتشارات: دکسا
- تعداد صفحات: ۱۱۱ صفحه
- قیمت: ۴۳۰۰۰۰ تومان